

نگاشت‌های کلی سیمای دنیا و آخرت در نامه‌های امام علی علیه السلام
از منظر زبان شناسی شناختی

فرشته یزدانی* / علی اکبر محسنی** / علی سلیمی*** / شهریار همتی****
تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۱۱/۰۹ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۱/۲۷

چکیده

یکی از مهم‌ترین موضوعات مورد توجه امام علی علیه السلام در کلام خود، نگاه اخلاقی و معنوی او به دنیا و تاکید و تحذیر مکرر دنیاپرستان از آن و توجه آنان به آخرت است. زیرا از منظر ایشان، اعراض از دنیا یا هدف تلقی نکردن آن، و نیز، توجه به آخرت، یکی از مهم‌ترین پایه‌های زیست اخلاقی در جهان است. بنابراین، امام علیه السلام برای تفهیم بهتر این نگرش، از روش‌های زبانی، بیانی و بلاغی گوناگونی بهره می‌گیرد که بسیاری از مضامین بلند و والای ایشان را می‌توان با نظریه معاصر استعاره (استعاره مفهومی)، بهتر و مؤثرتر توضیح و آموزش داد، زیرا با توجه به اینکه این مضامین اخلاقی و مصادیق آن مفاهیمی ذهنی هستند، لذا نحوه درک بشر از آنها تأمل برانگیز است، بنابراین این نظریه یکی از نظریه‌های مهم زبان شناسی است که می‌تواند این موضوعات را به خوبی تبیین کند. از این رو، در این پژوهش تلاش شده تا با تکیه بر داده‌های زبان شناختی، از مفاهیم اخلاقی و ذهنی امام علی علیه السلام درباره دنیا و آخرت، رمز گشایی بیشتری نسبت به بلاغت سنتی صورت و سامان بگیرد. به همین منظور، نویسندگان، بسیاری از نگاشت‌های مربوط به حوزه‌های دنیا و آخرت در نامه‌های امام علی علیه السلام را گردآوری نموده و بر پایه استعاره مفهومی به تحلیل و تبیین آن‌ها اقدام کرده‌اند.

کلید واژه‌ها:

زبان شناسی شناختی، استعاره مفهومی، نهج البلاغه، دنیا، آخرت.

f.yazdany2015@gmail.com
mohseni0310@yahoo.com
salimi@razi.ac.ir
sh.hemati[at]yahoo.com

*. دانشجوی دکتری زبان و ادبیات عرب دانشگاه رازی کرمانشاه.
**. دانشیار، گروه زبان و ادبیات عرب، دانشگاه رازی، کرمانشاه، ایران.
***. استاد، گروه زبان و ادبیات عرب، دانشگاه رازی، کرمانشاه، ایران.
****. دانشیار، گروه زبان و ادبیات عرب، دانشگاه رازی، کرمانشاه، ایران.

۱. مقدمه:

استعاره مفهومی زیر شاخه زبان شناسی شناختی است و زبان شناسی شناختی به مجموعه‌ای از نظریاتی اطلاق می‌شود که به ابعاد شناختی ارتباط زبانی پرداخته است (tomaselli, ۱۹۹۹: ۴۷۷). یکی از مفروضات زبان شناسی شناختی آن است که شناخت بدون وجود بازنمودهای ذهنی که در رابطه هستی شناختی میان جهان خارج، ذهن و زبان نقش سازنده و واسط دارند، شکل نمی‌گیرد. زبان شناسی شناختی به دانش سخنگویان زبان از جهان خارج توجه دارد و به این مسئله می‌پردازد که زبان چه نقشی در سامان دهی به این دانش دارد (افراشی: ۱۳۹۵: ۲۶). با استعاره‌های مفهومی می‌توان نظام فکری و ساختار ذهنی اهل زبان را به خوبی شناخت؛ می‌توان میزان و چگونگی انتقال عاطفه، و اندیشه‌ی اندیشوران را در یک نظام ایدئولوژیک، در بستر تجربه، مشخص نمود. بر اساس و با کمک این رویکرد زبان شناسی شناختی و الگوهای استعاری می‌توان روش، نظرگاه و سبک شخصی اشخاص را نمایان ساخت و منبع و سرچشمه‌ی مفاهیم اندیشناکی شاعران و نویسندگان را مورد کنکاش و بررسی قرار داد (فتوحی، ۱۳۹۵: ۳۳۳ و ۳۳۴).

با اهتمام به اینکه سراسر نهج البلاغه واز جمله نامه‌های آن، سرشار از مضامین، گزاره‌ها و ارزش‌های اخلاقی، اعتقادی، توحیدی و معنوی است، از این رو، تردیدی نیست که استفاده از روش استعاره مفهومی (باتوجه به پیوند وثیقی که با زبان شناسی مدرن دارد)، در تحلیل متون، قابلیت و توانایی مخاطب را برای درک لایه‌های عمیق و پنهان هر متن معتبر وادبی و به ویژه نهج البلاغه، اعتلاء می‌بخشد زیرا، نظریه سنتی استعاره به خاطر جزئی نگری و تزئینی دیدن استعاره، آن گونه که شایسته و بایسته است، نمی‌تواند دامنه مفهومی متون برتر و چند لایه‌ای همچون «نهج البلاغه» را تحلیل کرده و پرده از مفاهیم ذهنی و گاه بسیار پیچیده و در عین حال جذاب و شگفت انگیز آن برگردد. بنابراین، برای تحلیل بهتر و دقیق‌تر این نوع متون متعالی، بهره جستن از روش استعاره‌های مفهومی و زبان شناسی شناختی ضرورتی اجتناب ناپذیر است زیرا، همان گونه که اشاره شد، ظرفیت، قابلیت وامکانات زبانی و بیانی این روش، برای رمزگشایی از متون ادبی و دینی، به مراتب، گسترده‌تر و وسیع‌تر از استعاره‌های سنتی است.

به همین دلیل، در این پژوهش با عنوان «نگاشت‌های کلی سیمای دنیا و آخرت در نامه‌های امام علی علیه السلام از منظر زبان شناسی شناختی» برآنیم تا استعاره‌های مفهومی موجود در نامه‌های امام علیه السلام را بر اساس این رویکرد، مورد بررسی قرار دهیم، تا در پرتو آن، مخاطب بتواند، به لطایف، دقایق و لایه‌های پنهانی و سرشار از آموزه‌های اخلاقی، الهام بخش و انسان ساز نهج البلاغه راه یابد و

به درک و دریافت بهتر و ملموس‌تری درباره ویژگی‌های دنیا و آخرت و نیز دنیا پرستان و فرجام آنان دست یابد.

۱/۱. پیشینه پژوهش:

۱. «بررسی و تحلیل استعاره‌های شناختی نهج‌البلاغه در حوزه دنیا و آخرت». سید اکبر غضنفری، مه‌ری قادری بیباک، محمد جنتی فر. (۱۳۹۷).

- این مقاله به بررسی استعاره‌های شناختی امام علی علیه السلام در مورد دنیا و آخرت پرداخته است. آنان فقط تعداد کم شمار و محدودی از حکمت‌ها و خطبه‌های امام علی علیه السلام را در این زمینه، مورد بررسی قرار داده‌اند و اشاره چندانی به نامه‌های آن نکرده‌اند. نویسندگان مقاله مزبور، با مفاهیم مربوط به حوزه مفهومی سفر، به تحلیل دنیا و آخرت پرداخته و انسان را از فریفته شدن به دنیا بر حذر داشته‌اند و او را به روی آوردن به آخرت ترغیب می‌نمایند.

۲. «بررسی استعاره‌های شناختی در حوزه زندگی دنیوی و اخروی در زبان قرآن». مرتضی قائمی (۱۳۹۵).

- در این مقاله نیز، به بررسی زبان شناختی استعاره عام «مقصود مقصد است»، پرداخته شده و درباره زندگی دنیوی و اخروی از زبان قرآن نیز بحث شده و به این نتیجه ختم شده که «هدفمند بودن» ویژگی مشترک میان زندگی و سفر است و همین امر، موجب انطباق این دو مفهوم بر هم شده و از آن، استعاره خاص «زندگی سفر است» شکل گرفته است. این استعاره از نگاشته‌های اصلی عبارات قرآنی درباره دنیا و آخرت و استعاره عام «مقصود مقصد است»، بر آمده است.

۳. «نام نگاشته‌های حیات آخرت در قرآن کریم در پرتو نظریه استعاره مفهومی». زینب فیضی، حسین مهندی، سید حیدر فرع شیرازی (۱۳۹۹).

- در این جستار، نام نگاشته‌های حیات آخرت در قرآن کریم با استفاده از نظریه استعاره مفهومی که اولین بار توسط لیکاف و جانسن مطرح شد، مورد بررسی قرار گرفته است. یافته‌های این پژوهش در قالب شناخت استعاره‌های مفهومی جهان آخرت در قرآن با انتقال از فضاهای ملموس به فضاهای ذهنی دریچه جدیدی از ساختار نظام‌مند و شبکه‌های در هم‌تنیده مفاهیم معرفتی قرآنی را بر روی قرآن پژوهان می‌گشاید.

۴. «استعاره مفهومی رحمت الهی در قرآن کریم». سیده مطهره حسینی، (۱۳۹۵).

- نیز، یکی از پژوهش‌های خوبی است که نگارنده پس از تبیین برخی مفاهیم و انواع استعاره در رویکرد جدید، مفاهیم استعاری مربوط به رحمت الهی را واکاوی می‌نماید.

۱/۲. سوالات پژوهش

۱. امام علی علیه السلام در نامه‌های نهج البلاغه از چه روش یا روش‌هایی برای انتقال و تفهیم، مفاهیم ذهنی دنیا و آخرت بهره گرفته است؟

۲. انواع طرحواره‌های به کار رفته در حوزه دنیا و آخرت در نامه‌های نهج البلاغه کدامند و بیشتر از کدام طرحواره برای ملموس نشان دادن این دو حوزه ذهنی استفاده شده است؟

۱/۳. استعاره از دیدگاه سنتی:

«جاحظ» به عنوان یکی از متقدمان لفظ‌گرا در بلاغت اسلامی، در کتاب «البيان و التبيين» در تعریف استعاره گفته است: «استعاره نامیدن چیزی به نام دیگری است در صورتی که جانشین آن شده باشد» (جاحظ، ۱۹۶۸: ج ۱/۱۰۷) و «جرجانی» نیز به عنوان یکی از متقدمان معناگرا در تعریف استعاره بیان کرده است: «استعاره تصویری بر پایه تشبیهی در ذهن شاعر بوده است، اما تنها یکی از دو رکن تشبیه در ذهن شاعر وجود دارد و رکن دیگر را خواننده به یاری شباهت‌های قابل حدس و قرائن موجود در سخن در می‌یابد» (جرجانی، ۱۳۶۸: ۳۳۱).

عده‌ای استعاره را بر پایه تشبیه تعریف کرده‌اند، بیانی که زمخشری از استعاره دارد ناظر بر همین معناست (زمخشری، ۱۳۹۱: ج ۲/ ۴۶۹) همچنین، رشید الدین تفتازانی (تفتازانی، ۱۴۲۵: ۶۵) معتقد است که استعاره از درون تشبیه بیرون می‌آید و ژرف ساخت هر استعاره را بر اساس یک جمله تشبیهی می‌داند. در نگاه سنتی، استعاره را مجاز می‌خوانند. خطیب قزوینی، یکی از شارحان و ناقدان مکتب سکاکی نیز استعاره را نوع دومی از مجاز می‌داند (خطیب قزوینی، ۱۳۸۸: ۸۵/۸۶).

در تاریخ بلاغت غرب، ارسطو نخستین کسی است که از استعاره سخن گفته است (هاوکس، ۱۳۷۷: ۱۱). او که بین استعاره و مجاز حد و مرز خاصی قائل نبود، استعاره را چنین تعریف کرده است: «کاربرد نامی غریب و نامأنوس در مورد چیزی که به آن شناخته نیست» (ارسطو، ۱۳۶۹: ۱۵۲). وی با استفاده از اصل قیاس، استعاره را نوعی آرایه ادبی می‌داند که کاربرد آن در زبان محاوره ضروری نیست و تنها جنبه زیباشناختی دارد (هاوکس، ۱۳۷۷: ۲۲).

بنابراینچه به اجمال بیان شد، از منظر ادیبان و سخنوران سنتی و کلاسیک، استعاره در زمره صناعات ادبی و متعلق به زبان مجازی است که در شعر و کلام ادبی بلیغ و فصیح صرفاً جنبه زیبایی شناسی دارد در نهایت، برای اقناع مخاطب در کشفیات علمی به کار می‌رود. به عبارت دیگر، استعاره در واقع، ابزاری برای تزئین لفظ در کلام تلقی می‌شود و به بخش غیر عادی زبان مربوط بوده و از زبان روزمره و عامیانه، متمایز و متفارق است، به همین دلیل، می‌تواند از پیش اندیشیده شود و سپس

وارد زبان ادبی گردد. چون، بر اساس این رویکرد (رویکرد سنتی)، استعاره به وجود شباهت از پیش تعیین شده میان مدلولات واژه‌ها یعنی مشبه و مشبه‌به اشاره دارد. در حالی که، استعاره مفهومی، در ذات زبان و حتی ذات جمله‌های یومیه، نهفته است و با هرگونه اندیشدنی پیوند وثیق دارد.

۱/۴. استعاره از دیدگاه معناشناسی شناختی:

بنابر مبانی معناشناسی شناختی، واژه استعاره شامل گروه خاصی از فرایندهای زبانی است که در آن‌ها جنبه‌هایی از یک شیء به شیء دیگر نسبت داده می‌شود و در آن، از شیء دوم به گونه‌ای سخن می‌رود که گویی شیء اول است (هاوکس، ۱۳۷۷: ۱۱). استعاره که برخی از منتقدان ادبی آن را «سویه آفریننده زبان» می‌نامند (احمدی، ۱۳۸۲: ۶۱۹)، امروزه در بین زبان‌شناسان نیز جایگاه ویژه‌ای پیدا کرده است. در نقطه مقابل نظریه‌های متفاوت در زمینه استعاره، اصحاب رویکرد زبان شناختی، تحت عنوان «دیدگاه نوین استعاره» معتقدند که استعاره تنها متعلق به زبان ادبی نیست و سعی در تبیین ساختار و نقش زبان دارند و معتقدند که زبان الگوهای اندیشه را منعکس می‌کند (راسخ مهند، ۱۳۸۹: ۶).

پس از دهه هفتاد موضوع استعاره به عنوان نوعی بیان غیر مستقیم در کانون توجه زبان‌شناسان قرار گرفت. در سال ۱۹۸۰ جورج لیکاف و مارک جانسون با انتشار کتاب‌هایی تحت عنوان «استعاره‌هایی که با آن‌ها زندگی می‌کنیم» دیدگاه نوینی را در مورد استعاره مطرح ساختند. در این دیدگاه، استعاره از سطح یک مقوله زبانی، ارتقا یافته و به عنوان یک فرایندی که اساس تفکر و رفتار آدمی را تشکیل می‌دهد، در نظر گرفته می‌شود. پژوهش‌های لیکاف و جانسون از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. آن‌ها بر این نکته تأکید دارند که استعاره، عنصری بنیادین در مقوله بندی ما از جهان خارج و فرایندهای اندیشیدن ما است و به ساخت‌های بنیادی دیگری از قبیل طرحواره‌های تصویری یا فضای ذهنی و امثال آن مربوط می‌شود (لیکاف، ۱۳۸۳: ۸۰). در این نظریه، استعاره، نگاشت‌های کلی بین حوزه‌های مفهومی است؛ به عبارت دیگر، استعاره، به هر نوع مفهوم سازی و بیان مفاهیم یک حوزه ذهنی در قالب حوزه ذهنی دیگر که غالباً حوزه‌ای ملموس‌تر است، گفته می‌شود و استعاره، نگاشت میان دو حوزه مفهومی مبدأ و مقصد است (نور محمدی، ۱۳۸۷: ۴).

۲. استعاره مفهومی دنیا و آخرت در نامه‌های نهج‌البلاغه و نام‌نگاشت‌های مربوط به

آن‌ها:

در بررسی نامه‌های امام علی علیه السلام مشاهده می‌کنیم اسنادهای مجازی به عناصر غیر زبانی به فراوانی یافت می‌شود؛ دنیا و آخرت از عناصری (مفاهیمی) هستند که بسیار در معانی استعاری

ومجازی به کار رفته‌اند. هنگامی که در یک متن چندین استعاره در ارتباط با هم باشند که در مجموع روند علی (سببی) یا زمانی یک عمل یا رویداد را بیان کنند، با خوشه‌ای از استعاره‌های یکپارچه رو به رو هستیم. این خوشه استعاری کمک می‌کند تا مواردی همچون زنجیره‌ای سببی یک عمل یا رویداد، استدلال‌های نقیض و راه حل‌هایی برای حل مسئله به صورت منسجم و یکپارچه بیان شوند (kimmel, ۲۰۱۰: ۱۰۶). به عقیده لیکاف (۱۹۸۷: ۶ و ۷) هر چه تعداد عبارتهای زبانی و استلزامات استعاری یک استعاره‌ی مفهومی خاص بیشتر باشد، میزان زبانی آن استعاره در زبان بیشتر است.

با نگاهی به مفاهیم دنیا و آخرت به وضوح متوجه اصل فراگیری استعاره مورد نظر لیکاف و جانسون در گفتمان مذهبی نهج البلاغه خواهیم شد. این نکته حائز اهمیت است که فراوانی زیاد این استعاره‌ها در نامه‌های امام علی علیه السلام صرفاً برای سخن آرای به کار نرفته‌اند بلکه کاملاً برای انتقال شفاف و تفهیم روشن پیام استعمال شده‌اند. به سخن دیگر، امام علی علیه السلام با تصویر سازی‌های کم بدیل و ابتکاری خود، در حوزه‌های دنیا و آخرت، برآن بوده است تا مضامین اعتقادی و عرفانی خود را به صورت عینی و ملموس، به مخاطبان منعکس و منتقل سازد.

۲/۱. بررسی نگاشت‌های مربوط به استعاره‌های مفهومی دنیا و آخرت در نامه‌های

امام علی علیه السلام.

کوچش در تعریف نگاشت می‌گوید: «مجموعه‌ای از تناظرهای نظام‌مند میان مبدأ و مقصد وجود دارند که عناصر مفهومی سازه‌ای حوزه ب را بر عناصر سازه‌ای حوزه الف منطبق می‌کنند. به این تناظرهای مفهومی، در بیان فنی نگاشت «انطباق» گفته می‌شود» (کوچش، ۲۰۱۰: ۷). لیکاف و جانسون از اصطلاح «نگاشت» برای نشان دادن این شباهت‌ها استفاده کرده و می‌گویند میان فضاها نگاشت‌هایی برقرار است. (قائم‌نیا، ۱۳۹۷: ۵۱).

درک صحیح از دنیا و جهان پس از مرگ به عنوان مفاهیمی ذهنی و انتزاعی در سایه نظریه معنانشناسی شناختی و استعاره‌های مفهومی، تحولی عظیم در اندیشه بشری ایجاد کرد. در حقیقت، به دلیل ماهیت انتزاعی جهان آخرت و دنیا، ضرورت درک استعاری در این حوزه‌ها، بیشتر احساس می‌شود و با واکاوی ساختار مفهومی این مفاهیم در کنار بسامد بالا و تکرار آن‌ها در نامه‌ها که موجب تاکید شدید آن‌ها نیز شده است، فهم لایه‌های پنهان مضامین انتزاعی نامه‌های نهج البلاغه را بسیار ممکن ساخته است.

*** در بررسی استعاره‌های مفهومی مربوط به حوزه دنیا و آخرت در نامه‌های نهج البلاغه، حدوداً



به ۵۴ نگاشت بر خورد می‌کنیم که البته، از ذکر مفاهیم تکراری صرف نظر کردیم. این نگاشتها، ۶ نگاشت کلی را در بر می‌گیرد و شامل تعداد قابل توجهی نیز از سایر نگاشتهایی است که جزو زیر مجموعه‌ی نگاشتهای کلی به شمار می‌روند.

در ذیل، نمونه‌هایی از نگاشتهای کلی را مورد بررسی قرار خواهیم داد:

۱. «دنیا و آخرت به مثابه انسان هستند» شامل موارد ۱-۹.

۲. «دنیا حیوان است» شامل موارد ۱۰-۱۴.

۳. «دنیا و آخرت مکان هستند» شامل موارد ۱۵-۳۰.

۴. «دنیا و آخرت کالا هستند» شامل موارد ۳۱-۳۷.

۵. «دنیا و آخرت شیء قابل رؤیت هستند» شامل موارد ۳۸-۴۱.

۶. «دنیا و آخر سفر هستند» شامل موارد ۴۲-۵۴.

۲-۲- بررسی استعاره مفهومی دنیا و آخرت در نامه‌ها:

۱. نگاشت: دنیا و آخرت انسان هستند.

۱. سَلَكْتُمْ الدُّنْيَا طَرِيقَ الْعَمَىٰ... وَاتَّخَذُوا هَارِبًا فَلَعِبَتْ بِهِمْ وَلَعِبُوا بِهَا وَنَسُوا مَا وَّرَاءَهَا (نامه/ ۳).

- نگاشت: دنیا پادشاه است.

۲. مَا أَنْتَ فِيهِ مِنْ دُنْيَا قَدْ تَبَجَّحْتَ بِزِينَتِهَا وَخَدَعْتَ بِلَذَّتِهَا؟ (نامه/ ۱۰).

- نگاشت: دنیا فریب دهنده است.

۳. فَاقْسُ عَنْ هَذَا الْأَمْرِ وَخُذْ أَهْبَةَ الْحِسَابِ وَشَمِّرْ لِمَا قَدْ نَزَلَ بِكَ (نامه/ ۱۰).

- نگاشت: حوادث دنیا انسان است.

۴. مِنْ إِدْبَارِ الدُّنْيَا عَنِّي وَأَقْبَالَ الْأَجْرَةِ إِلَيَّ (نامه/ ۳۱).

- نگاشت: دنیا و آخرت انسان هستند.

۵. كَأَنَّكَ إِذَا كُنْتَ تَكِيدُ هَذِهِ الْأُمَّةَ عَنْ دُنْيَاهُمْ (نامه/ ۴۱).

- نگاشت: دنیا انسان است.

۶. وَاللَّهِ لَوْ كُنْتُ شَخْصًا مَرْتَبًا وَقَالِيًا حَسِيًّا لَأَقَمْتُ عَلَيْكَ حُدُودَ اللَّهِ فِي عِبَادِهِمْ غَرَزْتَهُمْ بِالْأَمَانِي وَأُصِمَّ

الْقِيَمِ فِيهَا وَوَي

و... (نامه/ ۴۵).

- نگاشت: دنیا شخصیت مشهود و زنده است.

۷. إِلَيْكَ عَنِّي يَا دُنْيَا، وَأَفَلْتَ مِنْ جَبَائِلِكَ... أَيْنَ الْقُرُونُ الَّذِينَ غَرَزْتَهُمْ بِدَعَائِكَ؟ أَيْنَ الْأُمَمُ الَّذِينَ

فَتَنَّمِمْ بَرْخَارِ فِكِّ؟ (نامه/ ۴۵)

- نگاشت: دنیا صیاد است.

۸. أَوْصِيكُمْ بِتَقْوَى اللَّهِ، وَالْأَتْبِعُوا الدُّنْيَا وَإِنْ بَعَثَكُمْ (نامه/ ۴۷).

- نگاشت: دنیا فریبنده است.

۹. وَخَفْ عَلَى نَفْسِكَ الدُّنْيَا الْعُرُورَ وَلَا تَأْمَنْهَا عَلَى حَالٍ (نامه/ ۵۶).

- نگاشت: دنیا فریبنده است.

*** انسان انگاری نوعی استعاره هستی شناختی است. در انسان انگاری، ویژگی‌های انسانی به پدیده‌های غیرجاندار یا فاقد شعور نسبت داده می‌شود. هرچند انسان انگاری به نام «تشخیص» در استعاره سنتی امری شناخته شده است؛ اما برپایه استعاره مفهومی، در گفتمان روزمره نیز، فراوان دیده می‌شود. (کوچش، ۱۳۹۳: ۶۵). به عنوان مثال، امام علی علیه السلام در نگاشت شماره ۱، از یکی از خصوصیات خطرناک جماعت دنیا پرستان رومایی می‌کند و می‌فرماید: این جماعت دنیا را پروردگار خویش گرفته‌اند. دنیا آن‌ها را به بازی گرفته و آن‌ها نیز سرگرم بازی با دنیا شده‌اند و آن سوی این جهان را به فراموشی سپرده‌اند. در قالب استعاره مفهومی واژه انتزاعی دنیا را به انسان تشبیه فرموده است تا در قالبی عینی و ملموس برای انسان قابل فهم باشد. حوزه انطباق‌د عبارت یاد شده، این‌گونه است که، دنیا تو را از زوال خودش باخبر کرده و زشتی‌هایش را به تو نشان داده است. در واقع دنیا با انسان و انسان با دنیا بازی می‌کند.

- در واقع، در انسان انگاری مفهوم انتزاعی به مثابه موجود زنده در نظر گرفته می‌شود که دارای قدرت اثر بخشی است و جزء استعاره‌های هستی شناختی (وجودی) است و نقش آن دادن هویت انسانی به پدیده‌های غیر انسانی است، مثلاً در عبارت «وَمَنْ أُرْوَرَ عَنْ جِبَالِكِ وَفَّقَ» مفهوم انتزاعی دنیا همچون هویتی دارای قدرت و یا حتی حریفی نیرومند قلمداد می‌شود؛ حریفی که ممکن است فرد را از پای در آورد (یوسفی راد، ۱۳۸۲: ۵۰) همچنان که امام علیه السلام در نامه ۴۵ نیز خطاب به دنیا می‌فرماید: «ای دنیا! از من دور شو، افسارت را بر گردنت انداختم (و تو را رها ساختم) و از دامت رسته‌ام و از لغزشگاه‌های دوری گزیده‌ام». گویی دنیا حریفی نیرومند است که امام علیه السلام به خوبی بر آن غلبه کرده و از چنگال آن رهایی یافته است.

*** می‌توان به نمونه‌های دیگری نیز از انسان انگاری، در نگاشت‌های شماره ۲ و ۷ و ۸ اشاره کرد. واژه‌های غرور و گول زدن که مختص انسان است به دنیا که مفهومی ذهنی است، از آن جهت نسبت داده شده که دنیا دلیلی عینی برای گول خوردن آدمی است. در نمونه ۷ دنیا را به صیادی



تشبیه می‌فرماید که دام‌های خود را برای به دام انداختن انسان به عنوان صید، گسترانیده است. ایشان در این باره می‌فرمایند: «من این دام‌ها را شناخته‌ام و از آن‌ها رسته‌ام و هرگز گرفتار آن‌ها نیستم»، یا در نمونه ۶ دنیا را مخاطب ساخته و می‌فرماید: «کجایند آن اقوام پیشین که تو آن‌ها را با بازیچه‌های فریب دادی؟ کجایند امت‌هایی که با زینت‌های آن‌ها را فریفتی؟»

-امام در نامه ۴۵ درباره محاکمه دنیا فرموده است: «ای دنیا اگر شخصی دیدنی و قالبی حسی داشتی حدود خدا را در مورد کسانی که آن‌ها را فریفتی جاری می‌ساختم»، این سخن یادآور حدیثی از خود امام علی علیه السلام است که نشان می‌دهد در عالم مکاشفه، دنیا مشابه زن زیبایی از زیبارویان معروف عرب در مقابل آن حضرت ظاهر شد و بعد می‌فرمایند: این زن بسیار زیبا رو به من کرد و گفت: ای پسر ابوطالب آیا حاضری با من ازدواج کنی که تو را از این بیلی که در دست داری بی‌نیاز کنم و خزائن زمین را به تو نشان دهم و تا زنده‌ای حاکم بر جهان باشی و فرزندان تو هم بعد از تو چنین باشند؟ امام فرمودند: «تو کیستی که من از خانواده‌ات تو را خواستگاری کنم؟ گفت: من دنیا هستم. گفتم: برگرد همسری جز من برگزین» (علامه مجلسی، ۱۴۰۴، ج ۷۲: ۳۶۳).

یکی از اغراض مهم و اهداف درس‌آموز تشبیه پدیده‌های ذهنی به انسان توسط امام علی ع، پویا، عینی، ملموس و زنده نشان دادن آن‌هاست. بدیهی است که این امر، نقش به‌سزائی در تفهیم و تثبیت پدیده‌های انتزاعی و ذهنی در ذهن وجان مخاطب ایفا می‌کنند.

امام در نامه ۳۱ در زمینه توجه به آخرت، خطاب به امام حسن مجتبی علیه السلام می‌فرماید: «مِن إِدْبَارِ الدُّنْيَا عَنِّي وَأَقْبَالِ الْآخِرَةِ إِلَيَّ» در این عبارت، امام علیه السلام، مصدر «اقبال و ادبار» را به دنیا و آخرت اسناد داده‌اند و این مهم ممکن نیست مگر آن که بتوان میان انسان دارای اراده و دنیا پیوند و رابطه‌ای تشبیهی برقرار کرد. ایشان بازمی‌فرمایند: «یکی از آن‌ها به تو پشت می‌کند و دیگری در انتظار تو به استقبال می‌آید». اینگونه تصویرسازی‌های پویا و زنده، ضمن آن که خواب غفلت را از چشمان انسان می‌زداید، وی را برای رویارویی با مرگ، آماده می‌سازد.

۲. نگاشت کلی: دنیا حیوان است.

۱۰. فَأَمَّا أَهْلَهَا كِلَابٌ عَاوِيَةٌ وَسِبَاعٌ ضَارِيَةٌ، يَهْرُبُ بَعْضُهَا عَلَى بَعْضٍ وَيَأْكُلُ عَزِيزُهَا ذَلِيلَهَا وَيَقْهَرُ كَبِيرُهَا صَغِيرَهَا (نامه/۳۱).

- نگاشت: دنیا طلبان سگ‌هایی درنده‌اند.

۱۱. إِلَيْكَ عَنِّي يَا دُنْيَا، حُجِّلِكَ عَلَى غَارِبِكَ (نامه/۴۵).

- نگاشت: دنیا شتر است.

۱۲. قَدْ أَسْأَلْتُمُنِي مَخَالِكِ (نامه/ ۴۵).

- نگاهت: دنیا حیوان درنده است.

۱۳. اعزُّبِي عَنِّي اَفْوَاهِهِ لَا اَذِلُّ لَكَ فَتَسْتَدْلِينِي، وَلَا اَسْلَسُ، لَكَ فَتَقْوَدِينِي (نامه/ ۴۵).

- نگاهت: دنیا سلطانی جبار و ذلیل کننده است.

۱۴. اَمَّا بَعْدُ، فَاِنَّمَا مَثَلُ الدُّنْيَا مَثَلُ الْحَيَّةِ، لَيِّنٌ مَّشَهَا قَاتِلٌ سَمَّهَا (نامه/ ۶۸).

- نگاهت: دنیا ماری مرموز و فریبنده است.

*** قلمروی حیوانات نیز، برای خلق تصاویر استعاری حیطه مبدأ بسیار گسترده‌ای است. در واقع، «استعاره‌های حیوانی بسیار رایج هستند» (لیکاف و ترنر، ۱۹۸۹). این استعاره‌ها نه تنها پایه شناختی دارند، بلکه نگرش‌ها و اعتقادات خاصی را که در یک جامعه نسبت به حیوان‌ها حاکم است، منعکس می‌کند (دیگنان، ۲۰۰۳: بی تا) مثلاً در نمونه ۱۱، امام علیه السلام دنیا را به شتری تشبیه فرموده که ممکن است پرشیر، جالب و جذاب باشد، ولی هنگامی که صاحبش می‌خواهد خود را از قید آن رها سازد، افسار او را بر پشت یا گردنش می‌افکند و او را در چراگاه رها می‌کند تا به چرا مشغول شود و شتر نیز، خود را آزاد احساس کرده و از صاحبش دور می‌شود. بدیهی است که شتر در میان اعراب به دلیل نقش محوری‌ای که در زندگی اجتماعی و اقتصادی آن‌ها دارد، بسیار محبوب است. یکی از مشهورترین ویژگی‌های شتر، حرف شنویی و فرمانبری است تا جایی که پیامبر صلی الله علیه و آله فرموده‌اند: «در برابر پروردگار خود، همچون شتر رام و مطیع باش» (سیوطی، ج ۲، ۱۴۲۳: ۱۹۲).

* در همین زمینه امام علیه السلام در نمونه ۱۴ می‌فرماید: «این دنیا، همانند مار است که چون دست بر او کشند، نرم آید، ولی زهرش کشنده است». شایان ذکر است که مار، به خاطر ظاهر خوش، نرم، لطیف و فریبنده و باطن زهرآگین و کشنده‌اش، نماد زبان رسانی و مظهر شرّ و مصداق فساد و بد سیرتی است. البته، گاه نیز به عنوان نماد خشم مورد اشاره قرار گرفته است (شریفی، ۱۳۸۸: ۱۲۵۰).

* امام علی علیه السلام در نگاهت‌های «دنیا به مثابه حیوان است» آن دسته از ویژگی‌های حیوانی که دارای بار معنایی منفی بوده و بیشترین درجه اهانت و توهین را دارا است، برای اشاره به نیروی دشمن (در اینجا دنیا) استفاده نموده‌اند. مثلاً در نمونه ۱۲ دنیا را به درنده‌ای تشبیه می‌فرماید که می‌خواهد با چنگال‌های خطرناکش، صید خود را به دام انداخته و لت و پارکند: «من خود را از چنگال چنین حیوان درنده‌ای رها ساختم و دستش به من نخواهد رسید. امام علیه السلام، در نمونه ۱۳ نیز دنیا را حیوانی سرکش قلمداد کرده: «ای دنیا از من دور شو به خدا سوگند من رام تو نخواهم شد تا مرا خوار و ذلیل سازی و زمام اختیارم را به دست تو نخواهم سپرد که به هر جا خواهی ببری».



* امام علی علیه السلام در مورد ۱۰ و در توصیف دنیا طلبان و دنیا پرستان، آن‌ها را به سگانی تشبیه فرموده که پیوسته بانگ برمی‌آورند و همچون درندگان، زوزه‌کشان و خشم‌آگین بر سر طعمه ریخته و وحشی‌ترین و نیرومندترین‌شان، ناتوان‌ترین‌شان را مقهور خود ساخته و می‌درد و می‌بلعد.

۳. نگاشت کلی: دنیا و آخرت مکان (منزل) هستند.

۱۵. فَإِذَا أَنْتَ قَدْ خَسِرْتَ دَارَ الدُّنْيَا وَدَارَ الْآخِرَةِ (نامه / ۳).

نگاشت: دنیا و آخرت منزل هستند.

۱۶. فَتَاهُوا فِي حَيْرَتِهَا، وَعَرِقُوا فِي نِعْمَتِهَا، وَأَخَذُوا هَارِهَا (نامه / ۳).

- نگاشت: دنیا حیرت‌کنده است / دنیا دریا است.

۱۷. وَلَيْسَ أَهْلُ السَّامِ بِأَحْرَصَ عَلَى الدُّنْيَا مِنْ أَهْلِ الْعِرَاقِ عَلَى الْآخِرَةِ (نامه / ۱۷).

- نگاشت: دنیا پایین است / آخرت بالا است.

۱۸. وَجَهَ اللَّهُ لِيُؤْتِيَهُ بِهِ الْجَنَّةَ وَيُعْطِيَهُ بِهِ الْأَمْنَةَ (نامه / ۲۴).

نگاشت: آخرت مکان امن است.

۱۹. وَأَنْبَأْتُكَ عَنِ الْآخِرَةِ وَمَا أَعَدَّ لِأَهْلِهَا فِيهَا (نامه / ۳۱).

- نگاشت: آخرت مکانی امن است.

۲۰. وَلَا تُصَلِّحْ دُنْيَاكَ بِمَحَقِّ دِينِكَ (نامه / ۴۳).

- نگاشت: دنیا محیط زندگی است.

۲۱. هِيَ فِي عَيْنِي أَوْهَى وَأَوْهَنُ مِنْ عَفْصَةٍ مَقْرُورَةٍ (نامه / ۴۵).

- نگاشت: دنیا پایین (فروتر) است.

۲۲. وَلَا حُرْتُ مِنْ أَرْضِهَا شَبْرًا (نامه / ۴۵).

- نگاشت: دنیا زمین است.

۲۳. وَاجْتَنَّبْتُ الدَّهَابَ فِي مَدَاحِضِكَ... (نامه / ۴۵).

- نگاشت: دنیا لغزشگاه است.

۲۴. وَمَنْ رَكِبَ مُجْحِكَ عَرِقَ (نامه / ۴۵).

- نگاشت: دنیا دریایی موج‌ومهلک است.

۲۵. وَلَسْنَا لِلدُّنْيَا خُلُقْنَا وَإِنَّمَا وَضَعْنَا فِيهَا لِنُبْتَلِيَ بِهَا (نامه / ۵۵).

- نگاشت: دنیا آزمایشگاه است.

۲۶. فَعَدَوْتُ عَلَى الدُّنْيَا بِتَأْوِيلِ الْقُرْآنِ (نامه / ۵۵).

- نگاشت: دنیا مکان است.

۲۷. **وَاعْلَمَنَّ أَن الدُّنْيَا دَارُ نَيْلٍ لِّمَنْ يَفْرُغْ صَاحِبُهَا فِيهَا فَطَّ سَاعَةً إِلَّا كَانَتْ فَرَعَتْهُ عَلَيْهِ حَسْرَةٌ يَوْمَ الْقِيَامَةِ** (نامه/۵۹).

- نگاشت: دنیا آزمایشگاه رنج آدمی است.

۲۸. **وَأَنْتَ أَبْقَى مِنْ رَبِّكَ فِي طَلَبِ الدُّنْيَا** (نامه/۶۹).

- نگاشت: دنیا عمارتی خواستنی است.

۲۹. **وَلَا تَبْقَى لِأَخْرَتِكَ عَتَادًا، تَعْمُرُ دُنْيَاكَ بِمَخْرَابِ أَخْرَتِكَ** (نامه/۷۱).

- نگاشت: دنیا محلی برای آباد کردن آخرت است.

۳۰. **وَأَنَّ الدُّنْيَا دَارُ دُولٍ** (نامه/۷۲).

- نگاشت: دنیا عمارت است.

*** به اعتقاد جانسون و لیکاف تجربه‌ای که انسان از وجود فیزیکی خود مبنی بر اشغال بخشی از فضا دارد، درک مفهوم انتزاعی «حجم» را برای او امکان پذیر می‌سازد. پس انسان می‌تواند خود را مظهر ظرف تخت، اتاق، خانه و مکان‌هایی که دارای حجم بوده و می‌تواند نوعی ظرف تلقی شود بپندارد و این تجربه فیزیکی را به مفاهیم دیگری که به لحاظ جوهری یا مفهومی حجم ناپذیرند، بسط دهد و در نتیجه طرحواره‌های انتزاعی‌ای از احجام فیزیکی در ذهن خود پدید آورد. (لیکاف، ۲۷۲:۱۹۸۷).

* امام علی علیه السلام در عبارت «**وَاجْتَنَّبْتُ الدَّهَابَ فِي مَدَاحِضِكَ**» (۴۵) دنیا را به پرتگاهی تشبیه می‌فرماید که لغزشگاه‌های فراوان دارد؛ لغزشگاه‌هایی که هرآینه سقوط آدمی در آن محتمل و ممکن است. در نگاشت «دنیا لغزشگاه است»، معنای انتزاعی دنیا به عنوان حوزه مقصد بر اساس یک تجربه فیزیکی و حسی حضور در مکان، به مثابه یک جسم دارای حجم است، یا همچون منزلگاهی تلقی شده که دارای گنجایش است.

افزون بر آن، استعمال افعالی چون «ذهب» و «اجتنب»، این مفهوم را به مخاطب تلقین و تفهیم می‌کند که دنیا، لغزشگاه بسیار خطرناکی است که باید به جد، مواظب بود که در دام هلاک کننده آن گرفتار نشویم. در عبارت یاد شده، دور شدن ویژگی مکان یا موجود زنده است که به دنیا نسبت داده شده است و بدین ترتیب، تصویری، حسی، و فیزیکی از آن ارائه شده که خود از مؤلفه‌های حوزه مبدأ است.

* در عبارت «**وَمَنْ رَكِبَ لُجْجًا غَرِقَ**» (۴۵) «دنیا» به صورت دریای موجی تلقی شده که عبور از آن بسیار دشوار بوده تا جایی که حتی ممکن است که امواج آن (هوا و هوس‌های آدمی) انسان را



غرق کرده و به هلاکتش در افکند.

- در نمونه‌های یاد شده، برای دنیا به عنوان قلمرو هدف، حجم در نظر گرفته شده است و در قالب یک مدل استعاری عرضه شده‌اند که بوسیله شبکه‌ای از معانی پیچیده ذهنی در قالب شبکه‌ای از ساختارهای عینی‌تر و متعارف‌تر درک می‌شوند.

*** مکانمندی‌سازی انگاره صورت مستلزم تطبیق مکان مادی بر مکان مفهومی است. تحت این تطبیق، ساختار مفهومی بر ساختار مکانی منطبق می‌شود. به بیان دقیق‌تر، پیکربندی‌های انتزاعی (که به مفاهیم ساختار می‌بخشند) بر طرحواره‌های تصویری (که به مکان ساختار می‌بخشند) منطبق می‌شوند. بنابراین مکانمندی‌سازی انگاره صورت این نظر را تقویت می‌کند که ساختارهای مفهومی بر حسب طرحواره‌های تصویری به علاوه تطبیق استعاری فهمیده می‌شوند (Ibid: 283).

* با بررسی موارد فوق در می‌یابیم که امام با تصویر سازی استعاری و انسجام میان متن نامه‌ها در مفهوم سازی دنیا و آخرت در نگاشتهای شماره (۱۵ و ۱۸ و ۱۹) ساختار ملموس و عینی منزل را برای این دو مفهوم بر می‌گزیند. در این ساختار خانه از چارچوب عینی مشخصی ساخته شده است و با توجه به نوع ساخت آن و مصالح بکار رفته در آن‌ها مفهوم زودگذر بودن یکی و همیشگی بودن دیگری و نیز مفهوم امنیت و یا ناامنی در هر کدام از آن‌ها به خوبی درک می‌شود (نگاشت شماره ۱۸).

*** لیکاف (۱۹۸۷: ۴۴) بر اهمیت طرحواره‌های تصویری برای چند معنایی صحنه می‌نهد و معتقد است «برخی روابط بسیار طبیعی میان طرحواره‌های تصویری هست که انگیزه‌ی چند معنایی است».

* برای نمونه حرف اضافه «فی» را در موقعیت‌های مختلفی بکار می‌بریم، در نگاشت شماره ۱۹ از طریق انطباق استعاری مفهوم ذهنی با تجربیات عینی در قالب مدل ساختی، مفهوم مجرد آخرت همچون ظرفی تلقی گردیده است که در آن جا برای اهل آخرت چیزهایی در نظر گرفته و مهیا شده است. از این کلام امام علیه السلام نام نگاشت «آخرت ظرف است» برداشت می‌شود.

* در نگاشتهای شماره ۲۵ و ۲۷ دنیا به عنوان مفهومی ذهنی در کنار واژه «فی» که به دنیا برمی‌گردد و دلالت بر ظرفیت دارد، به سرایی تشبیه شده که در آن مورد ابتلا و آزمایش قرار می‌گیریم، مهم‌ترین فلسفه و حکمت ابتلا شناسایی چهره واقعی افراد به معنای ظهور صلاحیت‌ها و استعدادهای آنان و طهارت و خبثت نفس انسان است؛ چرا که برجستگی‌ها و کرامت‌های روحی انسان در شرایط دستور ابتلا خود را نشان می‌دهد.



* در عبارت «يَا بَنِيَّ إِنِّي قَدْ أَنْبَأْتُكَ عَنِ الدُّنْيَا وَحَالِهَا وَزَوَالِهَا وَأَنْبَأْتُكَ عَنِ الْآخِرَةِ وَمَا أُعَدُّ لِأَهْلِهَا فِيهَا» (نامه ۳۱)، این دنیا هدف نهایی و سرای عیش و عشرت نیست و همگان باید بدانند مزرعه ای است برای کشت آخرت و گذرگاهی برای رفتن به سوی آن و میدان تمرینی برای مسابقاتی که در پیش روی است و بازار تجارتي است برای اندوختن توشه جهت سرای آخرت، که اعمال خود و رفتار خود را بر اساس آن تنظیم و اصلاح کند.

*** میزان کاربرد افعال حسی در زبان و گستره معانی آن‌ها می‌تواند ملاکی برای مقایسه‌های بین زبانی باشد. گاهی ممکن است چندمعنایی افعال حسی در حوزه انتزاعی مطرح شود. البته این نکته باید مورد توجه قرار گیرد که اگر قرار است نظریه یک‌پارچه استعاره که در آن مؤلفه‌ی اصلی و فرآیند اصلی نگاشت است ارائه شود، باید بتواند نگاشت افعال حسی به حوزه‌های عینی و انتزاعی را پوشش دهد و نباید شامل محدودیت‌هایی باشد که مانع از تبیین و توضیح این موارد می‌شوند.

* مثلاً در عبارت «الدُّنْيَا مُنْقَطِعَةٌ عَنْكَ وَالْآخِرَةُ قَرِيبَةٌ مِنْكَ» (نامه ۳۲/ «منقطعة») به معنای بریدن و قطع کردن و «قریب» در معنای اسم زمان هر دو برای امور حسی و قابل درک به کار می‌روند. در نگاشت استعاری فوق، شاخصه‌های تعریف شده در حوزه منبع را به حوزه ذهنی هدف تعمیم داده است، و صورتی عینی از مفهوم مجرد دنیا و آخرت را در ذهن ساخته است که مکانی متحرک محسوب شده‌اند که یکی قابلیت جدایی و دور شدن را دارد و دیگری قابلیت نزدیک شدن به انسان را داراست. و این دور شدن و نزدیک شدن تصور حرکت دو مکان ذهنی یعنی دنیا و آخرت را در ذهن ایجاد می‌کنند.

*** برخی از مفاهیم موجود در نامه‌ها ریشه در تجارب فیزیکی و فرهنگی انسان دارد و ممکن است از فرهنگی به فرهنگ دیگر متفاوت باشد. این نوع استعاره‌ها در زبان شناسی شناختی معروف به استعاره‌های جهتی هستند و با جهت‌های مکانی مثل بالا، پایین، جلو، عقب، پشت، بیرون، مرکز و حاشیه و ... مرتبط هستند. در واقع این جهت‌های مکانی غالباً از بدن انسان نشأت می‌گیرند و بدن انسان به عنوان نقطه صفر مکانی در نظر گرفته می‌شود و این جهت‌ها نسبت به بدن انسان تعیین می‌شوند. نقش شناختی استعاره‌های جهتی این است که به یک مجموعه هدف انتزاعی در نظام مفهومی ما انسجام بدهند. به همین دلیل شاید بهتر باشد که این نوع استعاره‌ها را استعاره انسجام بنامیم، که بیشتر با نقش شناختی آن‌ها سازگار است، یعنی برخی مفاهیم انتزاعی تمایل دارند که به روشی یکنواخت و یک دست مفهوم سازی شوند. سمت‌گیری به سمت بالا با ارزشیابی مثبت و به سمت پایین با ارزشیابی منفی همراه است، (کوچش، ۱۳۹۳: ۷۱ و ۷۲).



* در فرهنگ دینی ما جهان آخرت مقامی بالاتر از خوب دارد و دارای ارزشیابی مثبت است و زندگی دنیوی نسبت به آن در مقامی فروتر قرار دارد. در نگاشت شماره ۱۷ «وَلَيْسَ أَهْلُ السَّامِ بِأَحْرَصَ عَلَى الدُّنْيَا مِنْ أَهْلِ الْعِرَاقِ عَلَى الْآخِرَةِ» آخرت در مکانی والا است. و دنیا و دنیاپرستی در مکانی پایین است. آخرت مفهومی ذهنی و ناشناخته و بالا مفهومی عینی و متعارف است. می‌توان این نام نگاشت را نمونه‌ای از استعاره‌های جهت‌مند در نظر گرفت. امام علیه السلام می‌فرماید: شامیان که منظورشان از جنگ، دنیا است، هرگز از اهل عراق که برای خدا و آخرت می‌جنگند در رسیدن به مقصود خود حریص‌تر و کوشاتر نیستند، به صورت مقایسه‌ای که در مورد ۴۰ بین دنیا و آخرت صورت گرفته، اشاره به این که دو تفاوت در میان یاران امام علیه السلام و طرفداران معاویه وجود دارد: این‌ها همراه امام عادل می‌جنگند که به وظیفه خود یقین دارد و آن‌ها را در راه روشنی سیر می‌دهد در حالی که یاران معاویه هدف روشنی ندارند جز اینکه به مال و مقام برسند.

* در عبارت «وَلَيْسَ فِي عَيْنِي أَوْهَى وَأَوْهَى مِنْ عَفْصَةَ مَقْرَةَ» در نگاشت شماره ۲۱ امام علیه السلام برای این که بی ارزش بودن دنیا و پایین بودن مقام آن را کاملاً برای همگان مجسم کند تعبیر پرمعنایی دارد می‌فرماید: «این دنیا در چشم من بی ارزش‌تر و خوارتر از شیره تلخ درخت بلوط است!» درخت بلوط دارای میوه تلخی است که خوردن چنین دانه‌ای بسیار ناگوار و تنفر آمیز است و هر کس آن را در دهان بگذارد فوراً آن را بیرون می‌افکند. این تشبیه یکی از رساترین تشبیهات نهج البلاغه درباره دنیا است که امام علیه السلام باطن و حقیقت آن را در قالب این مثال مجسم ساخته است و جایگاه دنیا را در جهت پایین برای ما متصور ساخته است. مزه‌ی تلخ در بردارنده مفهوم ناخوشایندی است که بی ارزش بودن دنیای فانی را با آن می‌توان متصور شد.

۴. نگاشت کلی: دنیا و آخرت کالا هستند.

۳۱. فَإِذَا أَنْتَ قَدْ خَسِرْتَ دَارَ الدُّنْيَا وَدَارَ الْآخِرَةِ (نامه/ ۳).

- نگاشت: دنیا و آخرت تجارت هستند.

۳۲. لَا تَبِعْ آخِرَتَكَ بِدُنْيَاكَ (نامه/ ۳۱).

- نگاشت: دنیا و آخرت کالایی قابل خرید و فروش هستند.

۳۳. وَمِنَ الْفَسَادِ إِصَاعَةُ الرَّادِ، وَمَفْسَلَةُ الْمُعَادِ (نامه/ ۳۱).

- نگاشت: زاد و توشه کالایی فاسد است.

۳۴. فَإِنَّكَ قَدْ جَعَلْتَ دِينَكَ تَبَعًا لِلدُّنْيَا أَمْرِي ظَاهِرٌ غَيْبِي، فَأَذْهَبَتْ دُنْيَاكَ وَآخِرَتُكَ (نامه/ ۳۹).

- نگاشت: دنیا امری فانی است.



۳۵. فَإِنَّ الدُّنْيَا مَشْغَلَةٌ عَنْ غَيْرِهَا (نامه/ ۴۹).

- نگاشت: دنیا کالایی فریبنده است.

۳۶. وَلَنْ يَسْتَعْنِيَ صَاحِبُهَا بِمَانَالٍ فِيهَا عَمَّا لَمْ يَبْلُغْهُ مِنْهَا (نامه/ ۴۹).

- نگاشت: دنیا کالایی دست یافتنی است.

۳۷. وَكُنْ آسَ مَا تَكُونُ بِهَا أَحْذَرُ مَا تَكُونُ مِنْهَا (نامه/ ۶۸).

-نگاشت: دنیا کالایی فریبنده است.

۵. نگاشت کلی: دنیا شیئی قابل رؤیت است.

۳۸. يَا بَنِي إِدْنِي قَدْ أَنْبَأْتُكَ عَنِ الدُّنْيَا وَحَالِهَا وَزَوَالِهَا وَانْقِلَابِهَا وَأَنْبَأْتُكَ عَنِ الْآخِرَةِ وَمَا أَعَدَّ لِأَهْلِهَا فِيهَا

(نامه/ ۳۱).

-نگاشت: دنیا شیئی قابل تغییر و دگرگونی است.

۳۹. وَالْدُّنْيَا عِنْدَهُ كَيَوْمِ حَانَ أَسْلَاحُهُ (نامه/ ۴۵).

- نگاشت: دنیا گذر زمان است.

۴۰. وَمَنْ أَرُوْرَ عَنْ جِبَالِكِ وَفَقَّ (نامه/ ۴۵).

- نگاشت: دنیا دام است.

۴۱. وَالْدُّنْيَا تُطْوَى مِنْ خَلْفِكُمْ (نامه/ ۲۷).

- نگاشت: دنیا فرش است.

*** طرحواره انگاره‌ای شیء نوع خاصی از طرحواره‌ی انگاره‌ای است. این طرحواره بر اساس بر هم کنش ما با چیزهایی مانند میز، صندلی، ماشین و... است، و باز نمود طرحواره‌ای است که از تجربه‌ی بدنمند ناشی شده است و خصوصیات فیزیکی اشیاء مانند وزن، رنگ، شکل و فضای اشغال شده از آن‌ها را تعمیم می‌بخشد. (ایون و گرین، ۲۰۰۶: ۱۹۱). این طرحواره را می‌توان به هستان انتزاعی مانند «دنیا» و «آخرت» نگاشت کرد که خصوصیات یاد شده را ندارد، نتیجه این نگاشت استعاری این است که ما این مفاهیم ذهنی را بر حسب شیء قابل رؤیت و یا کالایی فیزیکی می‌فهمیم. کالا و شیء مفاهیمی هستند که طرحواره شیء عهده‌دار نگاشت استعاری آن‌ها است. بعضی از مفاهیم ذهنی که در حوزه مقصد قرار دارند با این طرحواره مفهوم سازی می‌شوند. سه استعاره زمان و سببیت و حالت‌ها در نظام استعاری ساختار رویداد نیز جزء استعاره‌های شیئی هستند:

* در عبارت «وَالْدُّنْيَا عِنْدَهُ كَيَوْمِ حَانَ أَسْلَاحُهُ» (۴۵) دنیا همچون شیء قابل رؤیت است، سپس



دنیا را به روزی که در آستانه پایان گرفتن است و به اصطلاح همچون آفتاب لب بام است تشبیه فرموده است، چرا که به قدری به سرعت می‌گذرد که باید مواظب باشیم که به راحتی از دست نرود و به گونه‌ای از آن استفاده کنیم که بعداً غبطه از دست دادنش را نخوریم. این مورد را می‌توان نمونه‌ای از استعاره زمان در طرحواره شیئی به شمار آورد.

* در عبارت «يَا بَنِي إِيَّايَ قَدْ أَنْبَأْتُكَ عَنِ الدُّنْيَا وَحَالِهَا وَزَوَالِهَا وَانْتِقَالِهَا وَأَنْبَأْتُكَ عَنِ الْآخِرَةِ وَمَا أُعَدُّ لِأَهْلِهَا فِيهَا» (۳۱). با نگاشت «دنیا شیئی قابل تغییر و دگرگونی است می‌توان به استعاره‌ی حالت‌ها در این ساختار اشاره نمود. امام علیه السلام فرزندش را از حالات دنیا و آخرت آگاه ساخته و به او چیزهایی را یادآور شده که وی را از حتمی بودن فنا و گذرا بودن دنیا، و بقای آخرت و آنچه برای آخرت در آنجا مهیا است باخبر می‌سازد.

* در نگاشت‌های شماره ۳۱-۳۵ اصلاحاتی همچون «اضاعه و فساد و اذهبت» معمولاً برای امور ظاهری که قابلیت از بین رفتنی و فاسد شدنی دارند و نیز عینی و قابل لمس هستند بکار می‌روند و در واقع در طرحواره‌های شیئی بیان‌کننده‌ی تغییر و دگرگونی در حالت هستند، اما در این عبارات در مورد زاد و توشه‌ای که مراد از آن تقوا و معاد است بکار رفته‌اند. تقوا امری معنوی است که اگر فاسد شود موجب تباه شدن امر معنوی دیگری می‌شود که مسیر و مقصد اصلی همه ما رو به آنجاست.

* مورد شماره ۴۱ «الدُّنْيَا تُطْوَى مِنْ خَلْفِكُمْ» با نگاشت «دنیا فرش است» اشاره لطیفی به این حقیقت است که انسان از هر مرحله زندگی که می‌گذرد، آن مرحله گویی همچون فرشی که پشت سر انسان پیچیده و جمع می‌شود، اما دیگر قابل بازگشت نیست، پیران به جوانی باز نمی‌گردند و جوانان به کودکی؛ بنابراین در واقع هر لحظه برای انسان مرگی است و حیات جدیدی، مرگی که بازگشت در آن تصور نمی‌شود. این استعاره می‌تواند نمونه‌ای از سببیت در استعاره‌های شیئی باشد.

* پیاده سازی نگاشت «دنیا تجارت است» در موارد ۳۱ و ۳۲ روشن می‌سازد که حقیقت سود و زیان دنیا مرتبط با نوع بکار بستن همت در این دنیا برای رسیدن به زندگی دلخواه آخرت است، چرا که به تناسب تلاش و همت حقیقی هر کس سود و زیان نصیب او خواهد شد. این احتمال نیز داده شده که این جمله اشاره به جنبه‌های معنوی تجارت می‌باشد، زیرا تاجر گاه آلوده به اموال حرام می‌شود و سعادت خود را به خطر می‌افکند، بنابراین باید همواره مراقب این خطرات باشد مخصوصاً در عصر و زمان ما که اموال حرام و تجارت‌های نامشروع فزونی گرفته و گاه پرسود بودن آن چشم عقل را می‌بندد و تاجر را گرفتار گناه می‌سازد که جز تباهی آخرت و ضرر در این دنیا و جهان پس از

آن سودی برای او نخواهد داشت.

۶. نگاشت کلی: دنیا و آخرت (مبدأ/مقصد) هستند.

۴۲. هَذَا مَا اشْتَرَى عَبْدٌ ذَلِيلٌ مِنْ مَيْتٍ قَدْ أُرْجِحَ لِلرَّحِيلِ (نامه/ ۳).

- نگاشت: آخرت سفری پر رنج است.

۴۳. انْقَلَبُوا عَنْهَا بِالزَّادِ الْمُبْلَغِ، وَالْمَجْرِ الرَّالِحِ. أَصَابُوا الذِّدَّةَ زُهِدِ الدُّنْيَا فِي دُنْيَاهُمْ (نامه/ ۲۷).

- نگاشت: دنیا پل است. / آخرت مقصد است.

۴۴. أَنْ الْمُتَّقِينَ ذَهَبُوا بِعَاجِلِ الدُّنْيَا وَآجِلِ الْآخِرَةِ، فَشَارَكُوا (نامه/ ۲۷).

- نگاشت: دنیا پل است / آخرت مقصد است.

۴۵. وَأَنْتَ فِي مَنْزِلِ قُلْعَةٍ، وَدَارِ بُلْعَةٍ، وَطَرِيقِ إِلَى الْآخِرَةِ (نامه/ ۳۱).

- نگاشت: دنیا مبدا است / آخرت مقصد است.

۴۶. وَاعْلَمْ أَنَّ أَمَامَكَ طَرِيقًا ذَا مَسَافَةٍ بَعِيدَةٍ وَمَشَقَّةٍ شَدِيدَةٍ (نامه/ ۳۱)

- نگاشت: آخرت سفری پر مشقت است.

۴۷. وَاعْلَمْ أَنَّ أَمَامَكَ عَقَبَةٌ كَثُودًا أُنْحِفُ فِيهَا أَحْسَنُ حَالًا مِنَ الْمُثْقَلِ... (نامه/ ۳۱).

- نگاشت: مسیر آخرت پر از درد و رنج است.

۴۸. فَلَيْسَ بَعْدَ الْمَوْتِ مُسْتَعْتَبٌ وَلَا إِلَى الدُّنْيَا مُنْصَرَفٌ (نامه/ ۳۱).

- نگاشت: آخرت سفری بی بازگشت است.

۴۹. إِنَّمَا مَثَلُ مَنْ خَبَرَ الدُّنْيَا كَمَثَلِ قَوْمٍ سَفَرْنَا بِهِمْ مِنْزِلٌ جَدِيفًا مَوَّامِنًا لَا خَصِيصًا وَجَنَابًا مَرِيحًا

(نامه/ ۳۱).

- نگاشت: دنیا سفر است / آخرت مقصد است.

۵۰. سَلَكَتْ بِهِمُ الدُّنْيَا طَرِيقَ الْعُمَى (نامه/ ۳۱).

- نگاشت: دنیا کوره راه است.

۵۱. فَإِنَّ اللَّهَ سُجَّانُهُ قَدْ جَعَلَ الدُّنْيَا لِمَا بَعْدَهَا (نامه/ ۵۵).

- نگاشت: دنیا مسیری برای رسیدن به آخرت است.

۵۲. وَأَصْرَفَ إِلَى الْآخِرَةِ وَجْهَكَ، فَهِيَ طَرِيقُنَا وَطَرِيقُكَ (نامه/ ۵۵).

- نگاشت: آخرت مقصد است.

۵۳. وَاعْتَبِرْ بِمَا مَضَى مِنَ الدُّنْيَا لِمَا بَقِيَ مِنْهَا، فَإِنَّ بَعْضَهَا يُشْبِهُ بَعْضًا وَآخِرُهَا لَاحِقٌ بِأَوَّلِهَا وَكُلُّهَا حَائِلٌ

مُفَارِقٌ (نامه/ ۶۹).

- نگاشت: دنیا مبدا است / آخرت مقصد است.

۵۴. وَلَا تُبْقِ لِآخِرَتِكَ عَتَادًا، تَعْمُرُ دُنْيَاكَ بِحِرَابِ آخِرَتِكَ (نامه / ۷۱).

*** مفهوم سازی تعبیرهای حرکتی در زبان، اهمیت فوق‌العاده‌ای دارد، و توانایی گوینده و نویسنده را در صورت پویایی دادن به یک موقعیت ایستا را نشان می‌دهد. از این گذشته این تعبیرها، ارتباط خاصی با بافت کلام و هدف گوینده یا نویسنده دارد (قائمی نیا، ۱۳۹۰: ۴۰۹). استعاره‌ی دنیا سفر است، از استعاره‌های رایج و برجسته در حوزه نامه‌های امام علیه السلام است که بارها و بارها به آن اشاره شده است، و به گذرا بودن زندگی و هدفدار بودن آن اشاره می‌کند. استعاره «زندگی سفر است» که بر مبنای استعاره [اهداف مقصدها هستند]، ایجاد شده (کوچش، ۱۳۹۴: ۲۸) به هدف زندگی مربوط می‌شود و بیان‌کننده جهت و مسیر حرکت برای رسیدن به سرمنزل حقیقت است.

۱. سفر:

سفر شامل (مبدأ، مسیر، مقصد با موانع و مسیرهای فرعی احتمالی راه) بر اساس نظر تیلر خود یک طرحواره است و آن را طرحواره سفر می‌نامد و می‌گوید: خود زندگی غالباً بصورت یک سفر مفهوم سازی می‌شود (تیلر، ۱۳۸۳: ۳۲۰). زندگی هدفمند دنیوی و اخروی نیز دارای مبدا و مسیر و مقصد و مسافر است که بر مبنای استعاره حرکتی «دنیا/آخرت سفر هستند» نگاشت می‌شوند.

در استعاره‌های مفهومی فوق با نگاشت «دنیا/آخرت» سفر است، از افعال حرکتی «انقلب، ذهب، سلک، یصرف، مضی، بلغ، سفر، جعل» در ساخت استعاره‌های مفهومی استفاده شده است، از این افعال برای مفاهیمی از قبیل سعادت و شقاوت، سختی راه، عذاب، و... اشاره شده است.

۲. مسیر سفر:

راهی که شخص برای رسیدن به مقصدش در پیش دارد ممکن است دور یا نزدیک، بالا یا پایین و سهل یا صعب العبور باشد، شخص در این راه یا حیران و سرگردان است و یا هدایت شده مسیر را می‌پیماید. نام نگاشت‌های شماره (۵۰ و ۵۲ و ۵۴). کسانی که در این سفر حیران می‌مانند (نگاشت‌های شماره ۴۲ و ۴۴ و ۵۰) رو به پایین رفته و در هلاکت سقوط می‌کنند و کسانی که مطمئن قدم برمی‌دارند و از قبل زاد و توشه سفر را مهیا نموده‌اند (نگاشت‌های شماره ۴۳ و ۴۴) روبه بالا عروج می‌کنند. در جهان بینی اسلامی، دنیا از آخرت منفصل و جدا نیست، بلکه رابطه‌ی این دو به گونه‌ای است که اگر دنیایی نباشد، بهشت و دوزخی هم نخواهد بود؛ زیرا زمینه ورود به آخرت و بهشت و دوزخ در همین دنیا فراهم می‌شود، ایشان در نگاشت‌های شماره ۴۴ و ۵۱ و ۵۲ دنیا را به راهی تشبیه فرمودند که انسان برای سفرش ناگزیر باید از آن عبور کند. دنیا مفهومی ذهنی است و

مسیر مفهومی عینی است. رابطه این دو به گونه‌ای است که برای رفتن به این مقصد طولانی، (مورد ۴۶) باید از سر منزل مقصد یعنی دنیا توشه راه برگرفت. (مورد ۴۳) و سختی‌های راه را به جان خرید زیرا دنیا همچون جاده‌ای دو طرفه است که یک سر جاده تو را می‌فریبد و به گمراهی می‌کشاند. امام علیه السلام در نگاشت شماره ۴۶ و ۴۷ به طولانی بودن سفر آخرت و نیاز شدید به تهیه زاد و توشه برای این سفر از طاعات و کارهای خیر به ویژه انفاق در راه خدا اشاره کرده است. پیمودن راه‌های دنیا، هرچند طولانی و مشقت بار باشد در برابر راه آخرت سهل و آسان است. راه آخرت بسیار پر پیچ و خم و از گردنه‌های صعب العبور فضایل اخلاقی و مبارزه با هواهای نفسانی می‌گذرد که گاه پیمودن یکی از آن‌ها سال‌ها وقت می‌طلبد. منظور از این گردنه صعب العبور یا مرگ و سکران آن است یا عالم برزخ و یا پل صراط (و یا همه اینها). بدیهی است برای عبور سالم از گردنه‌های صعب العبور باید بار خود را سبک کرد و به سرعت گذشت، زیرا در این گونه گردنه‌ها ممکن است راهزنان و یا حیوانات درنده نیز وجود داشته باشند. این تعبیر برگرفته از قرآن مجید است آنجا که می‌فرماید: «فَلَا أَقْحَمَ الْعُقَبَةَ * مَا أَدْرَاكَ مَا الْعُقَبَةُ...» «ولی او از آن گردنه مهم نگذشت، و تو چه می‌دانی که آن گردنه چیست...؟» (قرآن کریم، بلد: ۱۱-۱).

۳. سفری بی بازگشت:

در نگاشت شماره ۴۸ به تفاوت این سفر با سفرهای دیگر می‌پردازد. سفر آخرت بدون بازگشت است.

شایان توجه است که جمله «لَيْسَ بَعْدَ الْمَوْتِ مُسْتَعْتَبٌ» نخستین بار در کلام پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله آمده است آنجا که می‌فرماید: «لَيْسَ بَعْدَ الْمَوْتِ مُسْتَعْتَبٌ أَكْثَرُ وَأَمِنْ ذِكْرِ هَادِمِ اللَّذَاتِ وَمُنْعِصِ الشَّهَوَاتِ» «بعد از مرگ راهی برای عذرخواهی و جلب رضایت پروردگار نیست، بنابراین بسیار به یاد چیزی باشید که لذات را در هم می‌کوبد و شهوات را بر هم می‌زند» (نوری، ۱۳۶۸، ج ۲: ۱۰۴).

آری منزلگاه‌های این عالم قابل بازگشت نیست، همان‌گونه که فرزند ناقص هرگز به رحم مادر برای تکامل بیشتر باز نمی‌گردد و میوه‌ای که از درخت جدا شد به شاخه بر نمی‌گردد، کسانی که از این دنیا به عالم برزخ می‌روند نیز امکان بازگشت به دنیا را ندارند. برزخیان نیز هنگامی که به قیامت منتقل شوند هرگز نمی‌توانند به عالم برزخ بازگردند و این هشدار است به همه ما که بدانیم ممکن است در یک لحظه همه چیز تمام شود، درهای توبه بسته شود و راه تحصیل زاد و توشه مسدود گردد و با یک دنیا حسرت، چشم از جهان ببوشیم

نتیجه:

*** استعاره‌های مفهومی دنیا و آخرت از مفاهیم برجسته موجود در نامه‌های امام علی علیه السلام است. در این پژوهش پیرامون این دو حوزه تعداد ۵۴ نگاشت بررسی شد. مطابق با این استعاره‌ها می‌توان به این نتیجه رسید که فراوانی نگاشت‌های کلی مربوط به دنیا بیشتر از نگاشت‌های مربوط به آخرت است. حضرت علی علیه السلام دنیا را با همه بزرگی‌اش با تعابیر شگفت‌انگیزی در قالب «انسان، حیوان، مکان، کالا و سفر» آن چنان به نقد می‌کشد و زوایای نهفته‌ی آن را بر ملا می‌سازد که آدمی را حیرت زده می‌کند.

*** بیشترین تعداد نگاشت‌ها مربوط به «دنیا و آخرت سفر هستند» می‌باشد و این نشان از اهمیت این حوزه در جهان بینی اسلامی است و به ما می‌فهماند که دنیا از آخرت منفصل و جدا نیست، بلکه رابطه‌ی این دو به گونه‌ای است که اگر دنیایی نباشد، بهشت و دوزخ هم نخواهد بود؛ زیرا زمینه ورود به آخرت و بهشت و دوزخ در همین دنیا فراهم می‌شود.

*** نگاشت «دنیا حیوان است» در مورد آخرت به کار برده نشده است و این بیانگر جایگاه مقدس آخرت و ناچیز بودن و حقارت دنیای بی‌ارزش در نگاه امام علی علیه السلام است. در واقع دنیا گاه جنگجوی قوی و گاه موجودی فریبکار است که لحظه به لحظه در حال تغییر و دگرگونی است و عامل خوشبختی و یا بدبختی انسان‌ها را در آخرت رقم می‌زند. اما دنیا به عنوان یک امر عینی و ملموس نمی‌تواند به طور مطلق مورد مذمت و یا ستایش قرار گیرد، در واقع با توجه به نوع کردار انسان می‌تواند صورتی ارزشی و یا ضد ارزشی به خود بگیرد. چون دنیا به گونه‌ای است که هم ورق خوبی‌ها و خوشی‌هایش را به ما نشان می‌دهد و هم ورق زشتی‌ها و ناخوشی‌هایش را نمایان می‌کند و انسان بر اساس اختیاری که دارد در مسیر خوشبختی و یا بدبختی دنیا را به مقصد آخرت ترک می‌کند.

منابع:

قرآن کریم.

نهج البلاغه.

۱. احمدی، بابک. (۱۳۸۲). *ساختار و تاویل متن*. تهران: مرکز.
۲. ارسطو. (۱۳۶۹). *فن ترجمه*. ترجمه دکتر عبدالحسین زرین کوب، چاپ دوم. تهران: امیرکبیر.
۳. افراشی، آزیتا. (۱۳۹۵). *مبانی معنا شناسی شناختی*. تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
۴. تفتازانی، سعد الدین مسعود بن عمر. (۱۴۲۵). *المطول*. صححه و علق علیه: احمد عزو عنایه، بیروت: دار احیاء التراث العربی.
۵. تیلر، جان رابرت. (۱۳۸۳). *بسط مقوله مجاز و استعاره*. ترجمه‌ی مریم صابری نوری فام در کتاب استعاره مبنای تفکر و ابزار زیبایی آفرینی. گروه مترجمان به کوشش فرهاد ساسانی. چاپ اول. تهران: مهر.
۶. جاحظ، عمرو بن بحر. (۱۹۶۸). *البيان والتبيين*. بیروت: دارالفکر للجمع.
۷. جرجانی، عبدالقادر. (۱۹۷۹). *اسرار البلاغه*. بغداد: مکتبه المثنی.
۸. خطیب تبریزی، جلال الدین محمد. (۱۳۸۸). *تلخیص المفتاح*. ترجمه احمد امینی. سنج: کالج.
۹. راسخ مهند، محمد. (۱۳۸۹). *درآمدی بر زبان شناسی شناختی*. تهران: سمت.
۱۰. زمخشری، محمود بن عمر. (۱۳۹۱). *تفسیر کشاف*. جلد دوم. مترجم: مسعود انصاری خوشابر، تهران: ققنوس.
۱۱. سیوطی، جلال الدین عبدالرحمن بن ابی بکر. (۱۴۲۳). *الإتقان فی علوم القرآن*. ج ۲. بیروت: دارالکتاب العربی.
۱۲. شریفی، محمد. (۱۳۸۸). *فرهنگ ادبیات فارسی*، چاپ سوم، تهران: نشر نو.
۱۳. فتوحی، محمود. (۱۳۹۵). *سبک شناسی: نظریه ها، رویکردها و روش ها*. تهران: سخن.
۱۴. قائمی نیا، علیرضا. (۱۳۹۷). *استعاره‌های مفهومی و فضاهای قرآن*، چاپ دوم، تهران: سازمان انتشارت پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.
۱۵. قائمی نیا، علیرضا. (۱۳۹۰). *معناشناسی شناختی قرآن*، چاپ اول، تهران: سازمان انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.



۱۶. کوچش، زلتان. (۱۳۹۳). *مقدمه کاربردی در استعاره*. ترجمه: شیرین پور ابراهیم، چاپ اول، تهران: سمت.
۱۷. کوچش، زلتان. (۱۳۹۴). *استعاره در فرهنگ جهانی*، جهانی‌ها و تنوع. مترجم: نیکتا انتظام، چاپ اول، تهران: سیاه‌رود.
۱۸. لیکاف، جورج. (۱۳۹۰). *نظریه معاصر استعاره*. ترجمه فرزانه سجودی. استعاره. مبنای تفکر و ابزار زیبایی‌آفرینی (مجموعه مقالات)، چاپ ۲، به کوشش فرهاد ساسانی، تهران: سوره مهر.
۱۹. مجلسی، محمد باقر بن محمد تقی. (۱۴۰۴). *بحار الأنوار*. ج ۷۲. بیروت: دار احیاء التراث العربی.
۲۰. نورمحمدی، مهتاب. (۱۳۸۷). *تحلیل مفهومی استعاره‌های نهج البلاغه «رویکرد زبان‌شناسی شناختی»*، پایان‌نامه کارشناسی ارشد زبان‌شناسی همگانی، تهران: دانشگاه تربیت مدرس.
۲۱. نوری، حسین بن محمد تقی. (۱۳۶۸). *مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل*، جلد دوم، قم: موسسه آل‌البتین ع، الاحیاء التراث.
۲۲. هاوکس. (۱۳۷۷). *استعاره*، ترجمه فرزانه طاهری. تهران: مرکز.
۲۳. یوسفی‌راد، فاطمه. (۱۳۸۲). *استعاره زمان در زبان فارسی*، رویکرد معنا‌شناسی شناختی، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه تربیت مدرس.
24. -Deignan, A (2003). Collins cobuild English guides: Metaphor.
25. London: Harpercollins.
26. --Evans, V. & Green, M. (2006). Cognitive Linguistics: An Introduction. Edinburgh: Edinburgh University press.
27. --Kövecses, Zoltan, (2010), Metaphor: A Practical Introduction, New York: Oxford University Press, Second Edition.
28. -Kimmel, M. (2010). Why we mix metaphors (and mix them well): Discourse coherence, conceptual Language. Houndmills: Palgrave Macmillan University Press Ltd.
29. --Lakoff, G., & Turner, M. (1222). More than cool reason: A fieldguide to poetic metaphor. Chicago: University of Chicago press.

30. --Lakoff, George (1987), *Women, Fire and Dangerous Things: What Categories Reveal About the Mind*. Chicago: University of Chicago Press.- -Tomasello, (1999), M, *Cognitive Linguistics*, In M. Bechtel and G. Graham (eds.).

